

این شرایط بی دوام است!

مردم حکم می دهند: 'گشته ندادیم که سازش کنیم؛ رهبر قاتل رو ستایش کنیم!'

صفحه ۳

آذر ماجدی

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کمونیستی، کارگری است!

مصوب کنگره نهم حزب حکمتیست

گفتگو با رحمان حسین زاده و رضا کمانگر

۵۲۳

مستکونی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۶ دی ۱۳۹۸ - ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹

قیام آبانماه ادامه دارد!

آغاز مجدد اعتراضات در شهرهای مختلف ایران

حکومت نظامی در ایران

'گشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم!'

تهدید خانواده جانباختگان موقوف!

ذلت جمهوری اسلامی و تداوم سناریوهای سوخته

رژیم اسلامی در سراسیبهی سرنگونی

صفحه ۱۲

پردل زارع

اعتراض و اعتصاب علیه فقر و گرانی ادامه دارد!

مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

مناسک "انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده در هم بکوبیم!

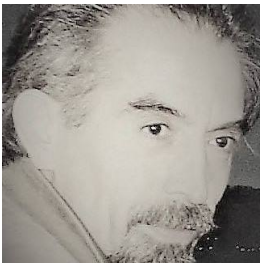
حکومت نظامی،

پرده آخر جنگ بقا!

حکومت اسلامی و شخص خامنه ای تودهنی دیگری خورد. از عصر چهارم دیماه اعتراضات خیابانی در شهرها و محلات مختلف علیرغم فضای بشدت امنیتی و قرق نظامی با شعار "مرگ بر دیکتاتور" شروع شد. گله های موتوری اوباش و بسیج و نیروهای سرکوب و یگانهای ویژه سراسیمه و پراژ میدادند، تیراندازی هوایی میکردند و دست به بازداشت گسترده زدند. رژیمی که با صنعت دین و خیل آخوندهای طفیلی مبلغ و استاد سازماندهی عزاداری است، حالا از مراسمهای بزرگداشت خانوادههای داغدیده میترسد و نظام را علیه آن بسیج کرده است. اینترنت قطع میکند، تلفنها و دسترسیها را محدود میکند، بازداشت میکند، لشکر کشی نظامی میکند تا جمعی شکل نگیرد، تا بغضها فریاد نشود و سیل را نیافتد. جمهوری اسلامی از کابوس آبانماه خلاصی ندارد و این مبنای وحشت و سراسیمگی حکومت و واکنشهای آنست. رژیم میداند مراسمهای گرامیداشت در چهارگوشه ایران، تاکیدی بر ادامه آبانماه، تداوم راه جانباختگان، نشانه رفتن مسببین این جنایت و تلاش برای بزیر کشیدن آنهاست. فشارهای امنیتی به تعدادی از خانوادهها برای لغو مراسم و یا به تعویق انداختن آن، بازداشتها و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



تشکیل شوراها و ارگانهای انقلابی و ستادهای مبارزاتی که به نیازهای امروز و گستره مبارزه از خیابان و کارخانه تا مدرسه و محله جوابگو باشد، ایجاد انواع گاردهای حفاظتی و دفاعی در مقابل نیروی سرکوب و عناصر حکومتی از نیازهای فوری وضعیت کنونی است. جمهوری اسلامی نه فقط در ذهنیت مردم آزادیخواه و انقلابی ایران بلکه از نظر بسیاری از حکومتها و دولتهای بورژوائی در آستانه سقوط است و راههای زیادی برویش باز نیست. بعد از کشتار آبانماه، جواب ندادن این سیاست و تضعیف بیشتر جمهوری اسلامی، حکومت نظامی آخرین سنگر بقای نظام است. این سنگر ظاهراً مجهز به انواع تسلیحات و افراد قصی القلب است اما به همان اندازه در مقابل اراده انقلابی میلیونی پوشالی است و بویژه تجارب اخیر نشان داده است که قابل درهم شکستن است.

سردبیر.

۲۶ دیماه ۱۳۹۸

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا

کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان

حاکمیت!



حکومت نظامی، پرده آخر جنگ بقا...

اقدامات دیگر، اگرچه خلی در ابعاد اجتماعات ایجاد کرد اما نتوانست از عزم و اراده بستگان جانباختگان و مردم آزادیخواه ممانعت کند. کشتار آبانماه و سیاست ترور و ارباب نتوانست مردم را ساکت کند، صدایشان را در شانزده آذر و اعتصابات و اجتماعات کارگری و دانشجویی بلند کردند و با تظاهراتهای چهارم دیماه و مراسمهای گرامیداشت پنجم دیماه ادامه دادند.

در روزهای گذشته تهران و شهرهای مختلف ایران بدرجات متفاوت چهره نظامی گرفته بود، نیروی انتظامی صدها نفر را بدلیل استفاده از سوشیال میدیا بازداشت کرد اما هنوز فریاد "مرگ بر خامنه‌ای" بگوش قاتل اعظم میرسید. نظام تلاش کرد دست خونین خامنه ای را بشوید، از سوئی از تهدید اعدام "اشرار و لیدرها" سخن میگویند و از سوی دیگر جار میزنند که "رهبر دستور بخشش داده است!" از سوئی میگیرند و می کشند و از سوئی از "پروژه کشته سازی اشرار" توسط دشمن سخن میگویند. اینها تناقض نیست، وحشت و قالب تهی کردن کل نظام اسلامی و شخص خامنه‌ای است. حکومت نظامی اعلام نشده در تهران و شهرستانها، قطع نسبی اینترنت و بازداشتها و ضرب و شتم معترضین، نشان میدهد که حتی بقای روزمره نظام بدون قرنطینه خبری و سرکوب مستمر و قرق نظامی ممکن نیست. دیگر حکومت بدون حائل و بیزک، با فشردهترین شکل و در هیئت ماشین سرکوب، اما در موقعیت بشدت ضعیف و شکننده در مقابل مردمی قرار گرفته که سودای نابودیش را دارند. این تحولی مهم در پیشروی جنبش برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی است. این اوضاع یادآور فرمانداری‌های نظامی دوره آخر رژیم پهلوی است. این پرده آخر حکومت اسلامی است.

جامعه نمیخواهد به حکومت فرصت بازسازی بدهد، سر سازی با رژیم ندارد و حکومت نمیتواند تسلیم شود، نمیتواند مسئولیت جنایتهايش را بگیرد و نمیتواند بدون شکلی از حکومت نظامی مستمر بقایش را حفظ کند. شعار؛ "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم"، جواب یکجائی به تلاش حکومت برای وقت خریدن و پاسخی روشن به تمهیداتی است که تلاش دارد مسئولیت قتل عام عزیزانمان را از نظام خامنه‌ای‌ها دور کند. در عین حال هر روز نمیتوان به بهانه سوگواری جمع شد، ضروری است بسرعت خود را در متن مبارزه جاری در کارخانه‌ها و محلات و مراکز کار سازمان دهیم، ابزارهای جنگ و رودرونی با ماشین سرکوب را فراهم کنیم، جبهه های مبارزه را گسترش و توده ای‌تر کنیم. خیابان و کارخانه و دانشگاه و محله و مدرسه و مراکز کار همه سنگرهای مبارزه و نبرد است. تحصن و اعتصاب و تظاهرات و آزاد کردن محلات از حضور حکومت تا تهاجم به نیروی سرکوب و سرکوبگران وجوه مختلف یک مبارزه واحدند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



این شرایط بی دوام است!

مردم حکم می دهند: 'گشته ندادیم که سازش کنیم؛ رهبر قاتل رو ستایش کنیم!'

آذر ماجدی

آنکه این عبارت در ذهن شان نشست کند، فوران دیگری از اعتراض، موج دیگری از شورش و این بار پر خروش تر از پیش استیصال را به امید و افسردگی را به هیجان بدل می کند.

دو سال است شاهد چنین روندی هستیم. نفرت و خشم از این رژیم جنایتکار آنچنان عمیق است؛ آنچنان زخم های عمیقی بر جسم و روحمان نشسته؛ آنچنان برای سرنگونی این نظام روزشماری می کنیم که گاهی تصویر بزرگ را گم می کنیم. این روند را نمی توان متوقف کرد؛ این خشم را نمی توان آرام کرد؛ این آتش را نمیتوان خاموش نمود.

دو سال پیش شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" مشخصه اصلی خیزش بیا خاسته را تعیین بخشید. دو سال پس از آن شعار، فریاد "گشته ندادیم که سازش کنیم؛ رهبر قاتل رو ستایش کنیم" ماهیت و رشد خیزش انقلابی دو ساله را به نمایش می گذارد. این شعار چه زیبا عزم جزم مردم درد کشیده و عاصی را بیان می کند.

"رهبر" فرمان حمام خون می دهد تا بخیال خویش انقلاب پیشارو را در نطفه خفه کند؛ طی دو هفته هزار و پانصد انسان را بخاک و خون می کشد؛ هزاران نفر را مجروح و معلول می کند و هزاران انسان دیگر را در سپاهچال ها تحت شکنجه های جنون آمیز قرار می دهد و جنازه ها را در گورهای دستجمعی و در عمق رودها و دریاچه ها تلمبار می کند؛ و مردم خشمگین تر و محکم تر از پیش به میدان می آیند و "رهبر" قاتل را به سخره می گیرند. در چنین شرایطی چگونه یک نظام قادر به تداوم است. یارانش گونی های پر از پول را بر دوش انداخته و با سرعت پراکنده می شوند؛ و دشمنانش، یک جامعه هشتاد میلیونی به او مشت های گره کرده تر نشان می دهند و با فریاد های رسا تر مرگش را نوید می دهند. جمهوری اسلامی به پایان عمرش رسیده است.

این واقعیت را باید پذیرفت. عزم ها را باید جزم تر کرد. صفوف را باید محکم تر و سازمان یافته تر نمود. با تمام قوا باید کار را یکسره کرد. نسل جوان پخته تر، سیاسی تر و آگاه تر از آنست که بیش از به این مرگ تدریجی تن دهد. مرگ یکبار، شیون یکبار آن اندیشه ای است که از اذهان عبور می کند حتی اگر به زبان نیاید. این روانشناسی جمعی جامعه امروز ایران است. این روانشناسی جمعی یک دوره انقلابی است. باید ایمان بیابوریم به این درک. می توانیم و باید کار این رژیم را یکسره کنیم.

موفقه دیگر جامعه ایران، جامعه ای که چهل سال پیش تمام دولت های غربی به نمایندگی سرمایه داری جهانی انقلاب عظیمش را وحشیانه سرکوب کرد، اینست که از گذشته آموخته است. اگر نه آگاهانه در ضمیر ناخودآگاهش می داند که این بار اجازه نخواهد داد بلای پیشین را بر سرش نازل کنند؛ می داند که اجازه نخواهد داد استیصال و روایت های دروغین خامش کند؛ آگاه است که به هر گزینه ای رضایت

هیچ نظامی قادر نیست در چنین شرایطی به حیات خویش ادامه دهد. بحران اقتصادی جامعه را فلج کرده است. این نظام از روز اول با بحران اقتصادی دست به گریبان بوده است. ماهیت سیاسی رژیم، بعنوان یک رژیم اسلامی و بعنوان نظامی که برای سرکوب یک انقلاب عظیم تحت عنوان انقلاب موضوعیت یافت، هیچگاه نتوانست به "یک حکومت متعارف سرمایه داری" در ایران بدل شود.* و لذا بحران یک خصلت دائمی جمهوری اسلامی بوده و هر روز عمیق تر شده است. بعلاوه، در دو دهه اخیر، از آنجا که یک مشت دزد سرگردنه و جنایتکار و شکنجه گر بر جامعه حکم می رانند، بدلیل دزدی های نجومی، نظام سرمایه داری ایران کاملا ورشکسته و به گل نشسته است.

فقر و فلاکت عظیمی گریبان اکثریت قریب به اتفاق جامعه را گرفته است؛ مردم دیگر نمی خواهند و نمی توانند به این شرایط تن دهند و عزم جزم کرده اند که آنرا تغییر دهند. عناصر ریز و درشت حکومت نیز هر روز با اختلاس های میلیونی فرار را بر قرار ترجیح می دهند. هیچ نظامی نمی تواند تحت چنین بحران اقتصادی به حکومت ادامه دهد. همانگونه که کمونیسست کارگری همواره اعلام کرده است این نظام از روز اول با بحران اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دست به گریبان بوده است و با اتکاء کامل به سرکوب و کشتار تاکنون نتوانسته است حاکمیت خود را تداوم بخشد. اما روزهای آن دیگر به پایان رسیده است.

سرکوب خونین تنها برای مدتی کارساز است. طی تاریخ رژیم های خشن استبدادی با توسل به سرکوب خونین و عوام فریبی های ایدئولوژیک نتوانسته اند برای دوره ای بعضا چند دهه به حیات خود ادامه دهند. اما زمانی که سرکوب کارایی خود را از دست می دهد؛ جامعه فقر زده است و مردم بیا خاسته اند خشن ترین دیکتاتوری ها نیز سرنگون شده اند. و این آن شرایطی است که ما در ایران شاهد آنیم.

در دهه شصت این رژیم جنایتکار نتوانست با سازماندهی یکی از خونین ترین سرکوب های تاریخ یک نسل انقلابی را کشتار و ساکت کند. عملا موفق شد که انقلابی که برای به زیر کشیدن بساط استثمار و نابرابری و اختناق شکل گرفته بود را بطور کامل درهم شکنند. اما شرایط حاضر شرایطی کاملا متفاوت است.

از دیماه ۹۶ جامعه عمیقا متحول شده است. یک تحول عظیم رخ داده است. یک روند رو به اوج اعتراض و شورش جامعه را در بر گرفته است. روحیه اعتراضی، عزم به تغییر پایه ای بر تمام جامعه مستولی شده است. گویی جامعه از یک کابوس طولانی بیدار شده است. هر از چند گاهی، پس از یک دوره کوتاه سکوت و سکون، برخی ناامید می شوند و مستاصلانه فغان بر می آورند که "فروکش کرد!" اما پیش از

ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری ایران را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است. (قطعه نامه اوضاع سیاسی کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران، اکتبر ۲۰۰۰)

این شرایط بی دوام است ...

نخواهد داد. و از اینرو است که خیزش عظیمی که دو سال پیش شکل گرفت تاکنون ادامه یافته است. از اینرو است که تمام ترفند های رژیم چنجی بی حاصل مانده است. باین خاطر است که دولت های سرمایه داری غرب قادر نیستند سناریوی ۵۷ را بازسازی کنند.

علیرغم سنت عمیق کمونیستی در جامعه؛ علیرغم وجود یک جنبش کمونیستی قوی و یک جنبش کارگری عظیم و رادیکال؛ با وجود اینکه خواست یک جامعه شورایی بارها و بارها طی دو سال اخیر در شرایط متفاوت توسط کارگر و دانشجو، در سراسر کشور مطرح شده است، نمایندگان سرمایه داری جهانی و وطنی با اینهمه امکانات مادی و رسانه ای دست از پا دراز تر نظاره گر شرایط هستند. روایت هایشان دو سه روز بیشتر دوام ندارد. آلترناتیو هایشان یک هفته هم عمر نمی کند؛ سناریو هایشان مانند روزنامه ای که روز بعد بردر سطل آشغال می خورد به زباله دان سیاسی انداخته می شود.

تاریخ سرمایه داری انقلاب های متعددی را شاهد بوده است. هر انقلابی خصلت های خاص خویش را داراست. اما خیزش دو ساله مردم ایران از بسیاری جهات متفاوت است. وجود یک طبقه کارگر وسیع که بخش قابل توجه آن به منافع خویش بمثابه یک طبقه آگاه است؛ بروشنی خواست اصلی خویش، یعنی سرنگونی نظام سرمایه داری را مطرح می کند؛ انگشت خود را بسوی سرمایه داری بعنوان مسبب فقر و استعمار خویش گرفته است و آلترناتیو طبقاتی خویش را اعلام می کند یک مشخصه منحصر بفرد و نوید بخش این خیزش است. جامعه ای که رهبران کارگری در راس جامعه و بعنوان خوشنام ترین و محبوب ترین رهبران عروج کرده اند یک خصلت متفاوت دیگر این خیزش است. علیرغم تلاش نیروهای دست راستی و برخی چپ های متوهم، جامعه ایران خواهان یک "انقلاب همه با هم" نیست. قطب بندی طبقاتی در ایران بمانند شکاف طبقاتی عمیق است. و این نیز خصلت مهم دیگر شرایط کنونی در ایران است.

این خصائص راه را نشان می دهد و شخم می زند. رژیم اسلامی را به زیر می کشیم و بسوی یک انقلاب کارگری رهنمون می شویم. بر ویرانه های این جهنم جامعه ای خواهیم ساخت مرفه، آزاد و برابر. جامعه ای که در آن مقوله فقیر و غنی رخت بر بسته است؛ از طبقات هیچ نمودی مگر در کتاب های تاریخ بچشم نخواهد خورد. سود و سرمایه مقولات تاریخی و متعلق به گذشته خواهد بود.

* ۱ - بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناگزیر داما تعمیق میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند. اولاً، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرف نظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود، مناسبات حقوقی و

مرکز خبری حزب حکمتیست

قیام آبانماه ادامه دارد!

آغاز مجدد اعتراضات در شهرهای مختلف ایران

امروز چهارم دیماه، علیرغم فضای امنیتی شدید و حضور سنگین نیروهای انتظامی و امنیتی در مراکز مهم و چهارراهها و قطع نسبی اینترنت، مردم معترض در شهرهای مختلف با فریاد "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" به خیابانها آمدند. چهار راه توحید تهران حد فاصل آزادی و انقلاب، شهر قدس و حواشی تهران، ملارد و فردیس کرج، نسیم شهر، گلشهر، شرق و غرب کرمانشاه و سمت جعفرآباد و بنا به گزارشی لب آب کرمانشاه، نقاطی در اصفهان از جمله مناطقی هستند که اجتماعات و تظاهرات و شعار دادن علیه حکومت شروع شده است. در کرمانشاه مردم دست به سنگر بندی و راه بندان زدند. در ملک شهر کرمانشاه نیروهای رژیم قبل از اجتماع و تظاهرات شروع به تیراندازی هوایی کردند. شهرهای کردستان نیز فضا بسیار ملتهب گزارش شده است و برخی پوسترها و بیل بوردهای خامنه ای را آتش زدند. مردم بحق خامنه ای را بعنوان چکیده نظام اسلامی هدف قرار داده اند.

حزب حکمتیست به زنان و مردان انقلابی و آزادیخواه درود میفرستد. این جنگ ناتمام را باید تمام کنیم. ماشین سرکوب را باید درهم شکنیم. این نفرت عمومی از حکومت اسلامی و غم سنگین فقدان عزیزانمان است که به جان حکومت اسلامی آتش میزند. قیام آبانماه ادامه دارد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۴ دیماه ۱۳۹۸ - ۲۵ دسامبر ۲۰۱۹

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کمونیستی، کارگری است!

مصوب کنگره نهم حزب حکمتیست

گفتگو با رحمان حسین زاده و رضا کمانگر



داخل و خارج کشور وسیعاً منعکس شده، حمایت و همبستگی از آنها اعلام شده و فضای سیاسی و مبارزاتی جامعه از آن اطلاع یافته است. سران جمهوری اسلامی هراس خود را از قدرت جنبش کارگری پنهان نکرده و مذبحخانه تلاش کردند، با ادامه سرکوبگری و بازداشت رهبران و فعالین کارگری و پرونده سازی مانع عروج جنبش کارگری شوند و سرشان به

سنگ خورد و نتوانستند. جناحهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی از در تملق نسبت به جنبش کارگری و رهبران و فعالین آن درآمدند، اما با این پاسخ رهبران هوشیار کارگری روبرو شدند، که "ناسیونالیستها و جریانات قومی و مذهبی خود را به ما نجسپانند" چون راهمان جدا است. با توجه به این واقعیات بیانیه نتیجه گیری میکند. "این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است."

و بالاخره بیانیه به مختصات مبارزات جاری کارگران و خواسته ها و شعارهای اقتصادی و سیاسی محوری آنها، بر معضلاتی که با آن دست و پنجه نرم میکنند و به پروبلماتیک "خصوصی، دولتی" و برخورد اصولی و کارگری و درست در قبال آن میپردازد. در بخش دیگری بیانیه با دیدن کمبودهای محوری در این دوره بر گامهای اساسی که جنبش کارگری در راستای ایفای رسالت رهبری کننده خود باید بردارد، تاکید میکند. و با فراخوان روشن خطاب به جنبش کارگری و رهبران و پیشروان کمونیست آن استنتاجات پایانی خود را اعلام میکند.

کمونیسست هفتگی: بیانیه حزب موقعیت کنونی جنبش کارگری را چگونه ارزیابی میکند؟

رضا کمانگر: بیانیه کنگره نهم حزب، موقعیت کنونی جنبش کارگری را حاصل مبارزه طولانی چهل سال گذشته طبقه کارگر علیه تحمیل بی حقوقی مطلق سرمایه‌داران و رژیم اسلامی حامی آن بر طبقه کارگر میداند. بویژه از دو سال گذشته بخصوص بعد از اعتراضات سراسری در بیش از صد شهر در دیماه ۹۶ که در اصل اعتراضات و

کمونیسست هفتگی: چهارچوب بیانیه "رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کارگری است!" چیست و کدام مسائل جنبش کارگری را برجسته میکند؟

رحمان حسین زاده: بیانیه مصوب کنگره نهم، با اتکا به واقعیات و فکتهای ابژکتیو عروج جنبش کارگری را در قامت نیروی آلترناتیو و رهبری جامعه می بیند. این ستون اساسی تبیین کنگره نهم از موقعیت جنبش کارگری و نقش تحول بخش آن در حال و آینده جدالهای سیاسی طبقاتی سرنوشت ساز در حال جریان جامعه ایران است. از این زاویه است که بیانیه مصوب کنگره تاکید میکند که "بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است."

عروج جنبش کارگری در قامت رهبری سیاسی البته در بطن اعتراضات توده ای دگرگون ساز دی ماه ۹۶ تاکنون مادیت جدی پیدا کرد. یعنی تناسب قوای چرخیده به نفع ابراز وجود سیاسی مبارزاتی کارگر و مردم تحت فشار و ستم، شرایط مساعدتر نقش ایفا کردن جنبش کارگری و رهبران و فعالین رادیکال و سوسیالیست آن را فراهم کرد. اما تاکید متمایز بیانیه ما این حقیقت است، که جنبش کارگری نیروی در حال انتظاری نبود، که نظاره گر تغییر تناسب قوا باشد، بلکه خود اولین و موثرترین جنبش حاضر در صحنه برای تغییر تناسب قوا در دوره قبل از دی ماه ۹۶ بوده است. این دو مولفه، دو وجه مهم جنبش کارگری در این دوره است که بیانیه بر آن فوکوس کرده است. از این زاویه یک بخش مهم بیانیه نگاه به اعتصابات و اعتراضات کارگری قبل از دی ماه ۹۶، که مهمترین آنها مبارزات کارگران بافق و چادرمو، هپکو، آذرب، شرکت واحد تهران و حومه، نیشکر هفت و فولاد اهواز در سالهای اخیر بوده است. به علاوه مشخصاً بیانیه تاکید میکند "جهش بزرگ در جنبش کارگری ایران با اعتصاب و اعتراض بیش از یکماهه نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در پایان سال ۹۷ اتفاق افتاد. آنجا که مبارزات درخشان آن دو مرکز کارگری چه در محتوا و مضمون چه در روش و قالب و شکل، با دست زدن به ابتکارات خلاقانه سطح مبارزه و توقعات کارگری را فراتر از موقعیتی بردند که تا آنزمان در جنبش کارگری جاری بود.... به علاوه دور جدید اعتصاب و اعتراضات کارگری ماههای اخیر نیشکر هفت تپه، هپکو و آذرب تاکید مجددی است، بر ظرفیت ها و ابتکارات مبارزاتی جدید در جنبش کارگری علیه کارفرمایان و دولت سرمایه."

اعتصابات و اعتراضات مورد اشاره بالا با اتکا به مبدیای اجتماعی و نقش فعال نیروهای چپ و کمونیست و از جمله حزب ما در سطح



است. جنبش کارگری بعنوان صاحب اصلی جامعه دست بالا پیدا کرده است و نیروی یکم برای تغییر اساسی جامعه است. امروز جنبش کارگری با شعار اداره شورایی امید نجات جامعه را با خود گره زده است! کنگره حزب ما هم در این بیانیه اعلام کرده است نجات جامعه ایران در گرو آلترناتیو کارگری و کمونیستی است! این توقع بر اساس رشد کیفی مبارزات تاریخی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی با افق سوسیالیستی در دوره جاری است.

کمونیست هفتگی: بحث تقابل کارگران با "خصوصی سازی" در بیانیه طرح شده است. بیانیه چه سیاستی را در این مسئله مشخص دنبال میکند؟

رحمان حسین زاده: همانطور که بیانیه تاکید کرده، "خصوصی سازیها و مبارزه کارگران علیه عواقب مخرب آن بر زندگی و کار کارگران یک مساله گری در جنبش کارگری ایران است". از زاویه کارگر کمونیست ابتدا لازمست صورت مساله را درست شناخت. خصوصی سازی در هر جای دنیا، در قدم اول تحمیل ریاضت کشی اقتصادی و بیکارسازی گسترده تحت نام "تعدیل نیرو" و به این ترتیب تعرض معیشتی را در دستور کار میگذارد، اما آنچه بورژوازی و حاکمیت هار اسلامی تحت نام "خصوصی سازی" که خود به آن میگویند "خصولتی" تحمیل کرده، بسیار شنیع تر و سبعانه تر از پدیده ای است که با استانداردهای شناخته شده خصوصی سازی و البته ضد کارگری در بسیار از کشورهای سرمایه داری دنیا انطباق داشته باشد. در ایران بورژوازی افسار گسیخته و حاکمیت استبدادی آن کسب سود نجومی را متکی به استثمار شدید و کار ارزان ممکن میدانند. طرح خصوصی سازی در صنایع و مراکز تولید، یعنی زدن وسیع و بیرحمانه اولیه ترین حقوق کارگر و تحمیل زندگی چند بار زیر خط فقر، بیکاری گسترده و تحمل ماهها حقوق معوقه و نبودن هیچ تعهدی از جانب کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی. این پدیده بعد از جنگ و از دوره دولت هاشمی رفسنجانی شروع شد و با کش و قوسهای زیاد تاکنون ادامه داشته است. قبل از آن هم دخالت وسیعتر دولت در اقتصاد نصیبش برای کارگران چیزی جز استثمار شدید نبوده است. اندک تفاوتی اگر وجود داشت، این نکته بود، دولت به عنوان کارفرما مجبور به حداقل تعهداتی شده بود. با "خصولتی" کردن این "حداقل" تعهد هم باقی نمانده است. در نتیجه از نظر کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود، به قول بیانیه کارفرمای خصوصی و یا دولتی هر دو برای کارگر یعنی استثمار و ستم و کار مزدی، یعنی تبعیض و زدن حقوق کارگران و هردو شیوه مالکیت دارای کارکرد ضد کارگری مشترکی هستند. اعتراض گسترده کارگران به خصوصی شدن بخشهایی از کارخانه ها و مراکز تولیدی به معنای تایید مالکیت دولتی نیست. هدف کارگران از مبارزه با خصوصی سازیها مقابله کردن با تعرض افسار گسیخته کارفرمایان که با طرح خصوصی سازی به شیوه سبعانه و بسرعت زدن دستمزدها و بسیاری از مزایای کارگری، بیکارسازی وسیع و تحمیل دستمزدهای معوقه را در دستور میگذارند. کارگران با مبارزه خود تاکتیک عقب راندن کارفرمایان و تحت فشار قراردادن دولت به قبول تعهداتی در مقابل حقوق کارگران را تعقیب میکنند. اما باید متوجه بود، گرایشهای مختلف جنبش کارگری بر خورد متفاوتی به این پدیده دارند. مشخصا جریانات رفرمیست و امکانگرا در درون جنبش

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کمونیستی، کارگری است...

اعتصابات کارگری نیروی محرکه به میدان آمدن مردم تهری دست برای اعتراض به بیکاری، گرانی، فساد، فقر و تبعیض بود موجب تغییر تناسب قوا بین سرمایه‌داران با اردوی کار به نفع طبقه کارگر شده است. رژیم اسلامی توانست بطور موقت اعتراضات دیماه ۹۶ را سرکوب کند، اما نتوانست جلو اعتراضات و اعتصابات کارگری را در ابعاد چهار گوشه کشور را بگیرد. اعتصابات طولانی مدت کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و تداوم اعتراضات کارگران هپکو، آذر آب در مقاطع مختلف و اتوبوسرانی تهران و حومه و اعتراضات و اعتصابات دهها مراکز صنعتی دیگر و همچنین اعتراضات معلمان و فرهنگیان و اعتصابات گسترده رانندگان کامیون در چند مرحله موجب سر زندگی جنبش کارگری و خود آگاهی طبقاتی گردید. در عین حال کارگران پی بردند تنها با تداوم اعتراضات و اعتصابات میتوانند بر دولت و کارفرماها فشار بیاورند. خوشبختانه در جریان اعتراضات و اعتصابات کارگری دهها نفر از فعالین کارگری بعنوان سخنگویان و رهبران کاردان، خوشفکر، رادیکال و جسور و مصمم در میان جنبش کارگری سر برآوردند که دولت اسلامی سرمایه تاب تحملش به سر رسید و با این خیال که اگر رهبران و فعالین کارگری را دستگیر، زندانی، شکنجه و جریمه و محکوم کند، میتواند از ادامه اعتراضات و اعتصابات جلوگیری کند که خوشبختانه طبقه کارگر مرعوب فضای بگیر و ببند سرکوب، خفقان و امنیتی نشد. در زمانی که دهها نفر از فعالین کارگری دستگیر و زندانی و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته بودند، کارگران در هفت تپه در هپکو و آذر آب و دهها مراکز کارگری دیگر دست از اعتراض و اعتصاب بر نداشتند، آنها با ادامه اعتراضاتشان اعلام کردند تسلیم ماشین سرکوب رژیم اسلامی نمیشوند و اتفاقا خواهان آزادی فوری رهبران و فعالین کارگری زندانی بودند تا اینکه با فشاری که به بدستگاه سرکوب رژیم آورده بودند توانستند فعالین هفت تپه را بطور موقت از زندان آزاد کنند. از طرف دیگر آبانماه هم که بیش از ۱۸۰ شهر در ۲۹ استان را دربرگرفت حاصل ادامه اعتراضات و اعتصابات کارگری بود که سرنگونی رژیم اسلامی را نشانه گرفت که رژیم اسلامی با این خیال، اگر دست به کشتار و راه اندازی حمام خون در خیابانها بزند میتواند از ادامه اعتراضات جلوگیری کند که این وحشیگری رژیم نتوانست کارگران و مردم معترض را به عقب وادارد. سران ریز و درشت رژیم اسلامی اعتراضات سراسری آبانماه را "اعتشاش" نامیدند و با خیال باطل اعلام کردند اعتراضات آبانماه را سرکوب کرده اند. اما در ۱۶ آذر سرخ دانشجویان چپ و آزادیخواه با شعارهایی در حمایت خیزش انقلابی آبانماه و حمایت از خواستهای کارگران و در عین حال با معرفی جریانات راست مانند سلطنت طلبان و مجاهدین بعنوان دشمن آزادی جواب درخوری به یاهو گویهای سران رژیم اسلامی دادند و به ادامه اعتراض تا رسیدن به آزادی و رفاه اجتماعی پای فشردند. ارزیابی بیانیه کنگره حزب این است: مبارزات طبقه کارگر را با خواسته ها و شعارهایش با افق سوسیالیستی که رهبران خوشفکر، جسور و مصمم و رادیکال چه در مراکز کارگری و یا در دانشگاه ها و یا در میان اقشار مردم طرح کردند و این شعارها اجتماعی شده

رهایی جامعه ایران در گرو عروج

آلترناتیو کمونیستی، کارگری است...

احزاب راست ایرانی به وحشت و تکاپو برای نجات نظام سرمایه‌داری انداخته است. نمونه های آن ما هر روز شاهد برگزاری کنفرانسها، سمینارها و تلاشها برای گذار بدون انقلاب کارگری و بدون حضور توده مردم از جمهوری اسلامی هستند و از طرف دیگر نمایندگان احزاب راست یا مشغول پرسه زدن در کریدور های وزارتخانه های آمریکا، اروپا و کشورهای ارتجاعی منطقه برای دریافت جیره و حمایت هستند و یا در قالب احزاب ناسیونالیست کرد مشغول چانه زنی با مامورین درجه چندم وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی برای سهیم شدن در سرکوب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه برابری طلب اعلام آمادگی میکنند.

وظیفه ما بعنوان حزب حکمتیست در همراهی با رهبران و فعالین کارگری و توقع از احزاب چپ و آزادیخواه سازماندهی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی در صف مستقل جهت نجات جامعه و رسیدن به آزادی برابری و رفاه اجتماعی است. در این دوره ایجاد مجامع عمومی در محلهای کار و زیست مبرمیت عاجل دارد. ایجاد شوراها برای اداره امور میتواند از دل مجامع عمومی تشکیل شوند. کنترل و در دست گرفت کارخانه، محل کار و زیست باید به نقشه عمل هدفمند رهبران و فعالین کارگری تبدیل شود. ایجاد تشکل سراسری کارگران شاغل و بیکار برای ایجاد همبستگی طبقاتی یک ضرورت عاجل است. آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی از دل همبستگی محلی و سراسری ضامن پیروزی طبقه کارگر بر آلترناتیوهای راست و بورژواپی است!

کمونست هفتگی: خط سیاسی و عملی بیانیه برای امر سازماندهی در ایندوره برای جنبش کارگری چیست و بیانیه کدام تاکیدات را دارد؟

رحمان حسین زاده: طبقه کارگر ایران همزمان و روزمره مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی، عقب راندن تعرض معیشتی کارفرمایان و دولت و تغییر اساسی وضع موجود و ساقط کردن بورژوازی هار و افسار گسیخته حاکم را از قدرت در دستور کار دارد. تجربه مبارزاتی کارگران به وضوح همدستی کامل کارفرمایان و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی را نزد توده میلیونی کارگران و نه فقط پیشروان آنها را نشان داده است. تجربه مبارزاتی همین دوره نشان میدهد، بیرون کشیدن حقوقهای معوقه و سد کردن بیکارسازی و افزایش دستمزد و گرفتن دیگر حقوقهای اولیه، نه تنها درگرو عقب راندن سرمایه داران، مهمتر در گرو عقب راندن دولت حاکم و پایین کشیدن هیئت حاکمه بورژوازی از اریکه قدرت است. در یک کلام مبارزه جاری برای خواسته های فوری به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است. سراسر با بگویم، عرصه نبرد هر روزه برای بهبود شرایط کار و زندگی و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی به هم گره خورده اند. آن هم در شرایطی که جنبش توده ای برای سرنگونی اوج گرفته و توقع اینست مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی تحت رهبری و پلاتفرم کارگری و سوسیالیستی به سرانجام برسد. از این زاویه و برای ایفای این نقش علیرغم پیشرویهای مهم، طبقه کارگر و جنبش کارگری با خلاء و کمبودهای جدی روبرو است. در شرایطی که در مسیر فضای انقلابی هستیم، سرعت میتوان خلاء و کمبودهای موجود را پرکرد. بیانیه ما خواسته لیست بلند بالا از کمبودها را ردیف کند، بلکه بر سه محور یعنی تامین رهبری سراسری رادیکال، برپایی سازمان توده ای و شورایی و متکی شدن جنبش کارگری به تحزب کمونیستی خود تاکید کرده است. توضیحات خود بیانیه در مورد هر سه محور گویا است و اینجا به تاکیداتی اکتفا میکنم.

کارگری به "مالکیت دولتی" سمپاتی جدی دارند، آن را به عنوان راه حل پاسخ گویی به مشکلات کارگران توجیه میکنند و توهمات را نسبت به ماهیت و کارکرد استنمارگرانه مالکیت دولتی اشاعه میدهند. کارگران آگاه و کمونیست، اولاً چنین توهمی را افشا و خنثی خواهند کرد. ثانیاً در تناسب قوای فعلی بر اعمال اراده و نظارت مستقیم خود بر پروسه تولید و فعل و انفعالات کارخانه و تضمین حقوق و مزایای کارگران از کانال تصمیمات تشکلهای مستقل کارگری و مشخصاً مجمع عمومی و شورای کارگران تاکید میکنند و مهمتر با تغییر اساسی تناسب قوا کارگران بر کنترل کارگری برتولید و توزیع کارخانه پافشاری خواهند کرد.

کمونست هفتگی: طبقه کارگر با موقعیتی که امروز در سیاست ایران دارد، کدام سیاستها را باید در اولویت کار خود قرار دهد تا بتواند بعنوان یک قطب مهم اجتماعی و رهبر آزادی جامعه طرح شود؟

رضا کمانگر: ایجاد صف مستقل کارگری با طرح آلترناتیو سوسیالیستی که وظیفه رهبران و فعالین کارگری و کمونیستی است از نان شب واجب تر برای نجات جامعه ایران است. اما بحث طرح آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی در آسمان بی ابر جامعه ایران طرح نمیشود. اگر جمهوری اسلامی در سرانحی سقوت و سرنگونی قرار دارد ناشی از تلاش و مبارزه طبقه برای تامین آزادی، برابری و رفاه اجتماعی است. بورژوازی ایران در قالب احزاب گوناگون همراه با کشورهای سرمایه‌داری از آمریکا تا اروپا و کشورهای ارتجاعی منطقه سرانحی و سقوت رژیم را پیش بینی میکنند و نگران منافع سرمایه‌داری در ایران هستند، بر این مبنا در تلاش هستند آلترناتیو بعد از جمهوری اسلامی را در میان احزاب راست و بورژواپی برای سوار شدن بر نفرت و اعتراضات کارگران، زنان، دانشجویان و مردم عاصی از جمهوری اسلامی تعیین و به جامعه تحمیل کنند. بورژوازی برای محروم کردن طبقه کارگر از دست بردن به قدرت سیاسی پول و رسانه های قوی با دکتترین تحلیلگران نان بنرخ روز خور را دارد. برای آینده بعد از جمهوری اسلامی تصمیم می گیرند. هدف اصلی آلترناتیو راست و بورژواپی تحمیل کار ارزان برای انباشت سود هرچه بیشتر است. استراتژی بورژواپی در ایران نمیتواند بدون سرکوب طبقه کارگر سیاست کار ارزان و کارگر خاموش را تحقق کند. در نتیجه تلاش اصلیشان این است در مقابل آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی دست به انواع توطئه ها و ترفندها بزنند تا دست بردن طبقه کارگر به قدرت سیاسی را میوه ممنوعه بنامند. اما طبقه کارگر همراه با کمونیستها راهی جز افشا و خنثی کردن توطئه های بورژواپی را نداریم! طبقه کارگر و کمونیستها نه پول دارند و نه هیچ دولت حامی دارند. اما ما نیروی اصلی ساخت و تغییر جامعه با طیف وسیعی از رهبران آگاه مصمم و قاطع و سازش ناپذیر در اختیار داریم. تنها کافی است سازمانیافته، متحد و همبسته باشیم و عمل کنیم. نقش اعتراضات، مبارزات توده‌ای همراه با اعتراضات و اعتصابات کارگری را تنها در طی دو سال گذشته را نگاه کنید؟ بورژوازی چه در ابعاد جهانی و چه

کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب‌گریزی و دور کردن کارگران از دخالتگری در تحولات سیاسی مبارزه کنند. درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر این واقعیت بیهی را تاکید میکند، که جنبش طبقه کارگر بدون تحزب کمونیستی خود و حزب کمونیستی هم بدون در هم تنیدگی طبقاتی و اجتماعی با طبقه کارگر نمیتواند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند.

کمونیست هفتگی: فراخوان حزب در این بیانیه به کارگران پیشرو و جنبش کارگری چیست؟ چه توقعاتی مطرح اند؟

رضا کمانگر: شرایط کنونی حاصل مبارزه طولانی مدت طبقه کارگر علیه فقر، بیکاری، تبعیض، فساد و علیه کل نظام سرمایه داری با ایفای نقش برجسته فعالین و رهبران کمونیست در درون جنبش کارگری است. کنگره ما تاکید میکند طبقه کارگر نیروی یکم در تحولات آینده ایران است. خطاب کنگره رو به فعالین و رهبران پیشرو برای درک این شرایط و در عین حال جلب توجه برای رفع موانع و مشکلاتی که موجب پراکندگی در صفوف جنبش کارگری است. سازمانیابی طبقه کارگر در اشکال مختلف در ابعاد محلی و سراسری یک ضرورت عاجل ایندوره است که باید برای رفع آن در دستور پیشروان کمونیست در درون جنبش قرار گیرد. کنگره نهم حزب فراخوان شفاف و گویایی برای رهبران و پیشروان کارگری و فعالین کمونیست در جنبش کارگری داشت. بخش پایانی بیانیه کنگره نهم حزب فراخوان ما به طبقه کارگر، فعالین و رهبران کمونیست درون جنبش کارگری برای ایفای نقش آگاهانه و هدفمند در شرایط کنونی چنین است.

"کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند، بعد از دی ماه ۹۶ و اکنون بعد از نبردهای عظیم شهری در آبان ماه ۹۸ برای جارو کردن جمهوری اسلامی، جامعه ایران در آستانه تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی رفتنی است. دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنوختی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید میکند. کنگره رهبران و فعالین کارگری رادیکال و همه کمونیستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخواند".

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کمونیستی، کارگری است...

الف - تامین رهبری سراسری و رادیکال در مبارزات همه جانبه جاری، حلقه کلیدی پاسخ گویی جنبش کارگری به مصافهای پیش رو است. واضح است، همه اعتراضات کارگری تاکنونی با ابتکارات رهبران و فعالین کارگری که در صحنه حضور داشتند، ممکن شده است. با این وصف و به دلیل محدودیتهای تاکنونی که بر جنبش کارگری تحمیل شده، هنوز جنبش کارگری با خلاء رهبری سراسری روبرو است. در بطن مبارزات کارگری جاری، گامهای مهمی برداشته شده است. اکنون بیش از هر زمانی آگاهانه و فکر شده برای شکل گیری و تامین چنین رهبری باید تلاش کرد. شکل گرفتن ارتباط بین محافل رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست، و ایجاد شبکه همگام و هم جهت رهبران کارگری مراکز کارگری مختلف با هم در سطح منطقه ای و سراسری، هم جهتی عملی مشترک در مبارزات پیش رو در راستای به وجود آمدن رهبری هم بسته و متحد منطقه ای و سراسری تحول مهمی در ابراز وجود قدرتمند جنبش کارگری خواهد بود، رهبران و پیشروان کارگری و ما کمونیستها نقشه مند باید برای آن تلاش کنیم.

ب- گسترش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای گام حیاتی و تعیین کننده دیگر است. طرح "اداره شورایی" و گسترش تلاشهای مبارزاتی برای ایجاد شوراهای قدم مهمی در راستای سازمانیابی توده ای کارگری مورد نیاز جنبش کارگری است. با طرح اداره شورایی و استقبال از جنبش شورایی، جنبش کارگری و رهبران سوسیالیست کارگری بیش از پیش و هدفمند لازمست دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای را در مراکز و رشته های کارگری در اولویت اساسی قرار دهند. به علاوه فراتر از یک مرکز کار و رشته کارگری، در سطح منطقه ای و سراسری هم با طرح و نقشه واقعی و زمینی تلاش برای ایجاد تشکل و شورای منطقه ای و سراسری کارگران را در دستور گذاشت.

ج- نهایتاً تحزب کمونیستی بخش لاینفک و ضروری جنبش کارگری و سوسیالیستی در جدال سیاسی و طبقاتی دایمی با بورژوازی است. حضور قابل لمس گرایش کمونیستی و سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران واقعیت قابل اتکای طبقه ما در نبرد همه جانبه با بورژوازی است. در شرایطی که جنبش طبقه کارگر به عنوان جنبش مدعی قدرت، رسالت هدایت مبارزه و تحرک انقلابی جامعه را به عهده دارد، واضح است، به سرانجام رساندن چنین رسالتی سازمان رهبری کننده و کمونیستی جنبش طبقه کارگر را میطلبد. در جدالهای سیاسی جامعه، جنبش ها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری لازمست به روشنی مبرمیت اتکا به تشکل یابی حزبی و حزبیت

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

اعتراض و اعتصاب علیه فقر و گرانی ادامه دارد!

کشتار آبانماه حکومت را در بد خصمه ای انداخته است!

کشور را تعطیل کرده بود و مدارس در ن استانها بسته بودند. با اینحال معلمان دست به اعتراض زدند و همگامی این تحصن و اجتماع بازنشستگان قبل از هر چیز نشان اینست که حتی کشتار مهیب جامعه را مرعوب نکرده است. معلمان در این تحصن از کولبران و بویژه آزاد و فرهاد خسروی حمایت کردند.

اعتصاب کارگران راه آهن کرج

روز دوم دیماه کارگران راه آهن کرج دست به اعتصاب زدند. بدنبال اعتصاب استاندار و نماینده سپاه میان اعتصابیون آمد و تلاش کردند که کارگران را به سر کار برگردانند. مدیران شرکت با اریز کردن بیمه کارگران در ماه مهر سعی کردند اعتصاب را خاتمه دهند. در اعتصاب امروز کارگران بخش فنی و ابنیه راه آهن که بخشهای ریل گذاری، تراورس بتونی، تولید تعمیرات و رانندگان درزین در آن شرکت داشتند، ۲۰۰ کارگر در اعتصاب شرکت داشتند. کارگران میگویند شرکت تراورس حقوق و لباس کار و کفش ایمنی کارگران راه آهن در مناطق لرستان و زاگرس و کرج و اندیشک و رباط کریم و اسلام شهر تهران و شاهرود و دامغان و خراسان را پرداخت نکرده است. اعتصاب کماکان ادامه دارد.

تداوم اعتصاب کارگران شهرداری کوه عبدالله

امروز سوم دیماه کارگران شهرداری کوه عبدالله چهارمین روز اعتصاب خود را برگزار کردند. کارگران شهرداری کوه عبدالله در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مطالبات ۴ ماهه خود برای چندمین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان اجتماع کردند. شهرداری کوه عبدالله کارگران اعتصابی را تهدید کرده است.

اجتماع کارگران هپکو در مقابل استانداری

دیروز دو دیماه بخشی از کارگران شرکت هپکو در مقابل استانداری اجتماع کردند. کارگران به مسئله بلاتکلیفی مالکیت و سهامداری شرکت، عدم تحقق وعدههای مسئولان، عدم پرداخت حقوقهای معوقه و دیگر مطالباتشان اعتراض دارند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳ دیماه ۱۳۹۸ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۹

افشاگری رویترا از زبان منابع حکومتی و دستور خامنه ای به کشتار به مسئله مهمی در درون حکومت بدل شده است. در جلسه یکشنبه ۲۶ آبانماه که در آن روحانی و مقامات امنیتی و ارگانهای سرکوب حضور داشتند، خامنه ای اعلام میکند که "جمهوری اسلامی در خطر است، برای پایان دادن به آن هر کاری لازم باشد انجام دهید. دستور من این است!" رویترا از زبان همین منابع خبر میدهد که ۱۵۰۰ نفر کشته نتیجه این دستور خامنه ای بوده است.

علیرغم این کشتار مهیب، جنبش خانواده ها برای گرامیداشت جانباختگان، برای آزادی دستگیر شدگان، برای روشن شدن سرنوشت نامعلوم مفقودین و اعلام کیفرخواست علیه این کشتار جمعی و تروریزه کردن عریان جامعه در جریان است. نیروهای امنیتی خانواده پویا بختیاری از جانباختگان اعتراضات آبانماه را بجرم تلاش برای گرامیداشت فرزندشان بازداشت کردند. همینطور نیروهای امنیتی برای ایجاد رعب و وحشت به منزل مصطفی کریمیگی از جانباختگان اعتراضات ۸۸ نیز یورش بردهاند. خیرگزاری مهر از زبان بازجوها پیشاپیش برای خانواده بختیاری پرونده سازی کرده و در توضیح این دستگیری نوشت: "با حکم قضائی و در راستای صیانت از نظم و امنیت مردم شریف و خسارت دیده و نیز به منظور جلوگیری از تداوم پروژه کشته سازی و تکرار اقدامات مسلحانه علیه مردم، این عناصر بازداشت شدند."

حزب حکمتیست اعمال فشار به خانواده ها، تحمیل دروغ به آنها برای صحنه سازی قتل های حکومتی، بازداشت خانواده پویا بختیاری و هجوم به خانواده مصطفی کریمیگی را قویا محکوم میکند. این روشها دیگر فایده ندارد و هرچه بیشتر زوایای پنهان جنایت جمعی و قتل عام دولتی را برملا میکند.

اجتماع بازنشستگان

بازنشستگان طی فراخوانی از قبل روز دوم دیماه در مقابل مجلس اسلامی در تهران اجتماع کردند. بازنشستگان با سخنرانی های قاطع علیه فقر و بیداد سخن راندند، حقوق و مطالباتشان را برجسته کردند، از آزادی زندانیان گفتند و اعلام کردند "تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینیم!"

اعتصاب و تحصن معلمان

روز دوم دیماه نیز معلمان در شهرهای مختلف برای پیگیری مطالبات خود، دفاع از معلمان زندانی و دستگیر شدگان، از زنگ دوم در دفاتر مدرسه اقدام به تحصن کردند و در این ساعات در کلاسهای درس حاضر نشدند. حکومت اسلامی به دلیل آلودگی هوا عملاً ۵ استان مهم

آزادی، برابری، رفاه!

حکومت نظامی در ایران

"کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم!"

امروز پنج دیمه، در شهرهای مختلف ایران جمهوری اسلامی حضور نظامی سنگینی را در خیابانها و چهارراهها و ورودی های گورستانها برقرار کرد. برقراری فضای امنیتی از روزهای قبل و بویژه با اجتماعات چهارم دیمه، امروز عملاً به یک حکومت نظامی اعلام نشده منجر شد. فضای تهران را بسیار امنیتی کرده بودند و در مناطقی از جمله شریعتی و بعد از خیابان دولت ایست بازرسی مستقر کرده بودند. گزارشهای مشابهی از شهرهای دیگر مخابره شده است. دیروز نیروهای امنیتی با اعمال فشار تعدادی از خانواده ها را وادار به لغو مراسم یا به تأخیر انداختن آن کردند.

امروز پنج دیمه در کرج علیرغم بستن ورودیهای بهشت سکینه و استقرار نیروی انتظامی، بخشی از مردم معترض وارد محل شدند. نیروی سرکوب با هلیکوپتر از بالای سر مردم مانور میداد و در پائین باتوم بدست تلاش میکرد مردم را متفرق کند. بنا به گزارشی امروز دستکم دو نفر در بهشت سکینه بازداشت شدند. در تداوم این اجتماع و پایان آن بخشی از مردم معترض راه افتادند و علیه حکومت اسلامی شعار دادند. در گوشه‌ای از بهشت سکینه سرود یار دبستانی خواندند و در راهپیمائی شعار دادند: "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید!"، "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم!" در کرمانشاه، اصفهان و بهبهان و چند شهر دیگر نیز اجتماعات بزرگ و کوچکی در بزرگداشت جانبازان برگزار شد.

شعار "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم"، جواب محکمی به خامنه‌ای قاتل و حکومت اسلامی است. تهدید و کشتار و حکومت نظامی و قطع اینترنت نتوانسته جامعه را ساکت کند. نه مردم با رهبر قاتل و نظام جنایتکارش سازش میکنند و نه نظام اسلامی بدون حکومت نظامی دیگر میتواند سرپا بماند. ایجاد حکومت نظامی و رژه بسیجی و موتوری‌ها، یعنی پرده آخر حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ دیمه ۱۳۹۸ - ۲۶ دسامبر ۲۰۱۹

تهدید خانواده جانبازان موقوف! ذلت جمهوری اسلامی و تداوم سناریوهای سوخته

قیام آبانماه نفرت و خشم تلمبار شده مردم علیه جمهوری اسلامی را به جهانیان نشان داد. رژیم اسلامی کوشید که با براه انداختن یک حمام خون صدای مردم را خفه کند؛ اما این طرح سیاه و خونین نتوانست جامعه را به عقب بنشانند و در خانه‌ها محبوس کند. کشتن صدها نفر، مجروح کردن و دستگیری هزاران نفر قرار بود که جامعه را مرعوب کند؛ اما اعتراضات خانواده‌های جانبازان و مفقودشدگان و اعتراضات وسیع و رادیکال دانشجویان انقلابی و آزادیخواه در ۱۶ آذر علیه سرکوب و کشتار آبانماه عملاً شکست پروژه رژیم اسلامی را اعلام کرد. لذا رژیم مجبور شد که با تحت فشار قرار دادن خانواده‌های جانبازان و اسیران آبانماه برای ارائه سناریوهای دروغ خود را از عواقب حمام خون خلاص کند. سناریوهای سوخته مبنی بر اینکه جانبازان خودکشی کرده‌اند، توسط معترضین به قتل رسیده‌اند، توسط دشمن‌های شخصی به قتل رسیده اند را به جریان انداخت.

طبق اخباری که به حزب رسیده مامورین سرکوب رژیم در سندنج خانواده کاوه ویسانی را که در روز دوم اعتراضات در سندنج بازداشت شد و زیر شکنجه به قتل رسید، تحت فشار قرار داده‌اند تا پدر کاوه در تلویزیون شبکه دو حاضر شود و اعلام کند که کاوه را معترضین به قتل رسانده‌اند. این جانبازان خانواده کاوه را تهدید کرده‌اند که در صورت عدم قبول شرکت در این سناریوسازی دروغین و کثیف، دو فرزند دیگر آنها را نیز به قتل خواهند رساند!

همچنین پدر و مادر ارشاد رحمانیان که توسط رژیم به قتل رسیده و جسدش در سد گاران انداخته شده بود، دو روز متوالی تحت بازجویی و فشار قرار گرفته‌اند تا اعلام کنند که ارشاد توسط دشمنانش به قتل رسیده است. مادر و پدر ارشاد تاکنون به این فشارها تسلیم نشده اند و اعلام کرده‌اند که پسرشان دشمن نداشته است. لازم به یادآوری است که تا پیش از پیدا شدن جسد ارشاد، سرکوبگران رژیم خانواده را زیر فشار قرار داده بودند که اعلام کنند ارشاد خودکشی کرده است؛ اما با کشف جسد این سناریو دیگر بُردی ندارد و حالا تحت فشار قرار گرفته‌اند که بگویند پسرشان توسط دشمنانش به قتل رسیده است. اخبار کشف جسد ارشاد وسیعاً در رسانه‌ها منعکس شد. رژیم اسلامی برای رسانه‌های شدن این مساله نیز این پدر و مادر داغیده را تحت فشار قرار داده‌اند.



رژیم اسلامی در سرآشویی سرنگونی

پردل زارع

زخمی شده در بیمارستانها مستقر شده بودند و جلو هر ورود و خروجی را میگریفتند، در شهرها حکومت نظامی اعلام کرده بودند و ورودی و خروجی شهرها را کنترل میکردند، شبانه با استفاده از مزدوران محلی و بسیجیها به خانه های مردم حمله میکردند و معترضانی که در اعتراضات شرکت داشتند را دستگیر میکردند. امروز و یک ماه بعد از سرکوب و کشتار وحشیانه رژیم و به یمن اینترنت و ارسال فیلم های گرفته شده از جنایت وحشتناک نیروهای سرکوبگر رژیم ابعاد این قتل عام وحشیانه بیشتر روشن میشود و هر روز پرده از جنایاتی که در طول روزهای هفته آخر آبانماه انجام گرفت برداشته میشود.

خبرگزاری رویترز اعلام کرده است که تاکنون بیش از هزار و پانصد نفر از سنین مختلف در اعتراضات کشته شده اند. مسئولان حکومتی از ارائه آمارهای واقعی طفره میروند و تلاش میکنند با صحنه سازی ابعاد جنایت را پنهان نگاهدارند. امروز برای همه روشن شده که دستور سرکوب خونین اعتراضات به هر شیوه ممکن را خامنه ای به سران نظام و نیروهای سرکوب داده است و مسئول مستقیم و درجه اول تمامی اتفاقات و کشتار اخیر است. به همین دلیل مردم در خیابانها فریاد میزنند که حکومت اسلامی مرگت فرا رسیده و این پایان کار است. اصلاح طلب و اصول گرا صدای مردم را بخوبی شنیده اند و خوب میدانند که دیگر دوره شان بسر رسیده است به همین دلیل همه زیر عبای خامنه ای و در سایه آدمکشان شکنجه گر و تفنگچی نظام جمع شدند. اینها بدون نظام اسلامی معنی ندارند. کارگران و مردم انقلابی نیز برای سرنگونی و بگور سپردن تمامیت نظام اسلامی دورخیز کرده اند. رژیم اسلامی در سرآشویی سقوط قرار دارد.

۲۴/۱۲/۲۰۱۹

تهدید خانواده جانباختگان موقوف!

ذلت جمهوری اسلامی و تداوم سناریوهای سوخته ...

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست این تحرکات کثیف و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را قاطعانه محکوم می کند و از مردم آزادیخواه و انقلابی می خواهد که از خانواده های جانباختگان و اسیران قاطعانه حمایت کنند و آنها را تنها نگذارند. با همبستگی و اتحاد محکم می توانیم و باید جمهوری اسلامی را عقب بنشانیم. تمام این انسان های داغ دیده شایسته بیشترین حمایت و همبستگی از طرف جامعه هستند. ما باید همچنین با اتحادی مصمم و سازماندهی محکم برای آزادی تمام اسیرانمان مبارزه کنیم و تک تک آنها را از چنگال رژیم خلاص کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اول دیماه ۱۳۹۸ - ۲۲ دسامبر ۲۰۱۹

ظاهرأ به دلیل گران شدن بنزین و سه برابر شدن قیمت آن و مابقی اقلام روزمره زندگی و تورم افسارگسیخته، در آبانماه امسال مردم جان به لب آمده از حکومت اسلامی در بیش از بیست و هشت استان و صد شهر ایران دست به اعتراض زدند. واقعیت اینست که گرانی بنزین صرفا جرقه ای به انبار باروت نارضایتی و فقر بود که انفجار آبانماه را بوجود آورد. مردم کارگر و زحمتکش آزادی و برابری و رفاه میخواهند و رژیم اسلامی را مسبب مشقات خود میدانند. آنها عملاً خیابانها را تبدیل به میدان مبارزه و سنگرهای مقاومت علیه نیروهای لپین سرکوبگر و چاقوکش های بسیجی کردند، به نهادها و پایگاههای حکومتی حمله کردند، به نمادهای فساد و چپاول تهاجم بردند و رژیم اسلامی را با بحرانی بی سابقه در طول حیاط ننگینش روبرو کردند. رژیم مستاصل اسلامی از وحشت سرنگونی جواب اعتراض را با گلوله داد و صدها معترض را با شلیک مستقیم گلوله کشت و هزاران نفر را زخمی کرد. دست به بازداشت های وسیع زد اما نتوانست اوضاع را کنترل کند.

بدون شک اعتراضات آبان ماه وسیع تر و بزرگتر از اعتراضات دیماه ۱۳۹۶، ادامه آن و انقلابی تر و روشنتر کل حکومت را مورد تهاجم قرار داد. اعتراض کنندگان آزادی، برابری، امنیت اجتماعی و رفاه همگانی میخواهند و حکومت اسلامی از برآورده کردن آن عاجز و ناتوان است و هر اعتراضی را با سرکوب و زندان و شکنجه پاسخ میدهد. رژیم اسلامی همیشه اعتراضات را سرکوب میکند و مردم را به بدترین شیوه مورد حمله قرار میدهد. اما با وجود تمامی بگیر و ببندها و رعب و وحشتی که ایجاد کرده است باز هم نمی تواند که کنترل اوضاع را در دست بگیرد و این مردم هستند که با هر اعتراضی که سازمان میدهند پایه های حکومت را به لرزه در می آورند و گامی بجلو میروند. در شانزده آذر امسال، دانشجویان در بیشتر دانشگاه های ایران نشان دادند که هیچ توهمی نه به جمهوری اسلامی و نه به جریانات راست ندارند و با تمامی توان خود به مصاف حکومتی میروند که به هر جنایتی علیه مردم برای حفظ بقایش دست زده است. دانشجویان با این اجتماعات نشان دادند که اعتراضات آبانماه دارد و سرکوب، شکنجه و زندان دیگر اثر ندارد.

طبق گزارش عفو بین الملل از آغاز شروع اعتراضات مردمی در ایران تاکنون بیش از دویست نفر به دست آدمکشان حکومت اسلامی ایران کشته و بیش از هزار نفر زخمی شده اند، اما به دلیل قطع اینترنت و نبود امکانات برای ارسال خبر به بیرون آمارها چیز دیگری را نشان میدند و اوضاع از جنایت بزرگی حکایت دارد. بیش از هزار نفر در این اعتراضات کشته و تعداد زخمی ها و دستگیر شدگان چندین برابر ارقامی است که عفو بین الملل اعلام کرده است. طبق گزارشهای مردمی نیروهای اطلاعاتی برای شناسایی و دستگیری معترضان

اعلامیه حزب حکمتیست در باره،

مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

"انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده درهم بکوبیم!

می‌کنند. دو سال پس از خیزش توده ای دیماه و اکنون پس از قیام آبانماه و حمام خونی که این رژیم جنایتکار براه انداخت، هر ذره امید را به اینکه بتوان مردم را پای صندوق ها کشاند به ناامیدی بدل شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" مجلس جنایتکاران را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. نه فقط به رژیم قاتلین فرزندانمان آگاهانه رای نمیدهیم و آنرا برسمیت نمی‌شناسیم، بلکه هدفمان را باید اعتراض تند و جمع کردن هر کمپین "انتخاباتی" در محلات و حوزه‌های انتخابی در هر شهر و روستا بگذاریم. اولاً، باید به کسانی که برای این سفره خون ثبت نام کرده اند هشدار داد و معنی کارشان را بعد از کشتار آبانماه به آنها فهماند. ثانیاً، اجازه نباید داد که کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند و به زخم مردم نمک بپاشند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. این ابواب جمعی رژیم اسلامی هستند که روی خونهای ریخته شده راه میروند و برای نمایندگی حکومت سرکوبگران و شکنجه گران و مجلس قاتلین کاندیدا میشوند. ما این وقاحت را نباید تحمل کنیم و تحمل نمیکنیم. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به اعتراض سراسری با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" در این روز فرامیخوانیم. اینها در موضع انتخاب شدن نیستند بلکه باید بعنوان متهمین به جنایت و کشتار جمعی مردم ایران پشت میز محاکمه نشانده شوند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ آذر ۱۳۹۸ - ۱۹ دسامبر ۲۰۱۹

جمهوری اسلامی میخواهد مضحکه انتخابات مجلس یازدهم را در دوم اسفند برگزار کند. این باصطلاح "انتخابات" قرار است روی سنگفرش‌های خونین آبانماه، روی دوش هشت هزار بازداشتی تحت شکنجه، روی تلی از اجساد ترورهای سیاه و داغ سنگین بازماندگان جانبختگان و مردم آزادیخواه ایران برگزار شود. کمترین انتظار اینست که نگذاریم این نمایش فریب، این مناسک اسلامی که هدفش تائید نظام و شلیک‌ها و سرکوب‌هاست، برگزار شود. نباید اجازه دهیم خامنه ای و روحانی و شرکا از مردم قربانی با "رای" حتی بصورت فرمال کسب "مشروعیت حقوقی" کنند و آنرا وثیقه سرکوب جامعه از یکسو و لغت و لیس حکومتی از سوی دیگر کنند. در دیماه گفتیم؛ "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدست خامنه ای‌ها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می‌رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، به حکومت قاتلین فرزندان مردم "رای" میدهد!

اگر طی دو دهه اخیر مضحکه انتخاباتی فرصتی بود برای رژیم اسلامی تا با زور و فریب و دروغ بخشی از مردم را به پای صندوق‌ها بکشاند و طی کمپین "انتخاباتی" توجه‌ها را از ریشه مصائب و فلاکتی که جامعه را فراگرفته تا حدودی منحرف کند؛ اکنون این مضحکه بد جوری گریبان‌شان را گرفته است. بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی تحت فشار خیزش توده ای و مبارزات طبقه کارگر چرخش موضع داده و به جریان راست رژیم چنجی پیوسته اند. در میان خالصین و مخلصین نظام، کسانی که در تمام جنایات این رژیم شریک و سهیم بوده اند، و با هدف نجات نظام به جناح اصلاح طلبان حکومتی پیوستند، از جمله خاتمی، کروبی و موسوی از سوراخ بیرون آمده و ضمن دفاع از "انتخابات" نگرانی‌شان را از سرنوشت رژیم بیان

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

گمونیست

زنده باد سوسیالیسم!